

Deutschtrainer

واژگان

Fahrrad | دوچرخه | (۸۲)

هر دوچرخه‌سواری ممکن است دچار پنچری شود؛ برای همین بهتر است کسی که دوچرخه‌سواری می‌کند وسایل پنچرگیری همراه داشته باشد و واژه‌های مربوط به آن را در این درس یاد بگیرد.

واژگان

das Fahrrad, die Fahrräder – دوچرخه

Kurzform: das Rad

der Reifen, die Reifen – لاستیک دوچرخه

Ich habe einen Platten. – چرخم پنچر شده است.

die Luftpumpe, die Luftpumpen – تلمبه

das Flickzeug – لوازم پنچرگیری

nur Singular

die Kette, die Ketten – زنجیر

das Pedal, die Pedale – رکاب

der Sattel, die Sättel – زین

die Gangschaltung, die Gangschaltungen – دنده دوچرخه



Deutschtrainer

واژگان

das Vorderlicht, die Vorderlichter - چراغ جلو

Das Rücklicht geht nicht. - چراغ عقب کار نمی‌کند.

der Fahrradhelm, die Fahrradhelme - کلاه ایمنی دوچرخه‌سواری

das Fahrradschloss, die Fahrradschlösser - قفل دوچرخه

Ich stelle das Fahrrad ab. - دوچرخه را پارک می‌کنم.

Ich muss mein Fahrrad abschließen. - باید دوچرخه‌ام را قفل کنم.